



Shahid Sattari Aeronautical University
of Science and Technology

**Journal of Innovation Management in
Defensive Organizations**

ISSN: 2676-7112
Volume 4, Issue 14
Winter 2022
P.P.115-142

Presenting a Model of Governance Innovation in Performing the Macro Defense-Political Tasks of The Government

Mohammad Reza Salari¹, Farajolah Rahnavard², Naser Hamidi³, Gholam Reza Memarzadeh
Tehran⁴

Abstract

Background & Purpose: Optimal performance of macro defense-political duties is one of the most important pillars of protection and preservation of the country. The purpose of this study is to design a model in the field of governance innovation in order to perform the macro defense-political tasks of the Government of the Islamic Republic of Iran.

Methodology: In this research, a mixed research strategy has been used. In the qualitative section, the statistical population included academic and organizational experts, and data were collected through focus groups and semi-structured interviews. In the quantitative part, the statistical population included managers, deputies and employees of governmental, military and non-governmental organizations and the data were collected through a questionnaire and analyzed by fuzzy inference system.

Findings: The government, the military, and civil society were identified as actors in macro-defense-political tasks. The promotion of defense-political affairs at the levels of the individual, the organization and the system leads to the optimal fulfillment of the macro-defense-political tasks of the government. Defense-political affairs at the level of the organization have more effect on the optimal performance of the macro-defense-political duties of the government than other levels. At the individual level, civil society plays a pivotal role, and at the level of the organization and system of the military and government sectors..

Conclusion: In order to better perform the macro-defense-political tasks, the performance of these tasks should be delegated to the civil society at the individual level, to the military sector at the organizational level and to the government at the system level.

Keywords: *Governance Innovation, Governance Actors, Macro-Defense-Political Tasks, Levels of Governance Action.*

Citation: Salari, Mohammad Reza; Rahnavard, Farajolah; Hamidi, Naser and Memarzadeh Tehran, Gholam Reza.(2022). Presenting a Model of Governance Innovation in Performing the Macro Defense-Political Tasks of The Government. *Journal of Innovation Management in Defensive Organization*, 4(14),114-142.

1. PhD Student in Public Administration. Qazvin Branch.Islamic Azad University. Qazvin.Iran. **E-mail:**
mrs1211@qiau.ac.ir

2. Department of Public Administration, Institute for management and planning studies, Tehran, Iran. **E-mail:**
mahdiyehmokhtari@gmail.com

3. Department of Public Administration. Qazvin Branch.Islamic Azad University. Qazvin.Iran. **E-mail:**
nhamidi@qiau.ac.ir

4. Department of Public Administration. Qazvin Branch.Islamic Azad University. Qazvin.Iran. **E-mail:**
gmemar@gmail.com

Received: 16/09/2020

Accepted: 27/10/2021

Corresponding Author: Farajolah Rahnavard

Article Type: Research-based

DOI: 10.22034/qjimdo.2021.248135.1359



دانشکده مدیریت

فصلنامه مدیریت نوآوری در سازمان های دفاعی
شاپای انتشار: ۷۱۱۲-۲۶۷۶
دوره ۴، شماره ۱۴
زمستان ۱۴۰۰
صص ۱۱۵-۱۴۲

ارایه مدل نوآوری حاکمیتی در انجام وظایف کلان دفاعی-سیاسی دولت

محمدرضا سالاری^۱، فرج‌اله رهنورد^۲، ناصر حمیدی^۳، غلامرضا معمارزاده طهران^۴

چکیده

زمینه و هدف: انجام بهینه وظایف کلان دفاعی-سیاسی از مهمترین ارکان حفظ و صیانت از کشور است. هدف این پژوهش، طراحی مدلی در زمینه نوآوری حاکمیتی در راستای انجام وظایف کلان دفاعی-سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران است.

روش‌شناسی: در این پژوهش از راهبرد پژوهش آمیخته استفاده شده است. در بخش کیفی، جامعه آماری شامل خبرگان دانشگاهی و سازمانی بود و داده‌ها از طریق گروه کانونی و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته گردآوری شد. در بخش کمی، جامعه آماری شامل مدیران، معاونین و کارکنان سازمان‌های دولتی، نظامی و مردم نهاد بود و داده‌ها از طریق پرسشنامه گردآوری و با سیستم استنتاج فازی تحلیل گردید.

یافته‌ها: دولت، بخش نظامی و جامعه مدنی به عنوان نقش‌آفرینان انجام وظایف کلان دفاعی-سیاسی شناسایی شدند. ارتقای امور دفاعی-سیاسی در سطوح فرد، سازمان و سیستم به انجام بهینه وظایف کلان دفاعی-سیاسی دولت منجر می‌شود. امور دفاعی-سیاسی در سطح سازمان بیشتر از سطوح دیگر بر انجام وظایف کلان دفاعی-سیاسی دولت اثر دارد. در سطح فرد، جامعه مدنی نقش محوری داشته و در سطح سازمان و سیستم بخش نظامی و دولت نقش محوری دارند.

نتیجه‌گیری: به منظور انجام بهینه وظایف کلان دفاعی-سیاسی، انجام این وظایف در سطح فرد به جامعه مدنی، در سطح سازمان به بخش نظامی و در سطح سیستم به دولت واگذار شود.

کلیدواژه‌ها: نوآوری حاکمیتی، بازیگران حاکمیتی، وظایف کلان دفاعی-سیاسی، سطوح کنش حاکمیت.

استناد: سالاری، محمدرضا؛ رهنورد، فرج‌اله؛ حمیدی، ناصر و معمارزاده طهران، غلامرضا. (۱۴۰۱). ارایه مدل نوآوری حاکمیتی در انجام وظایف کلان دفاعی-سیاسی دولت. فصلنامه مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی، ۴ (۱۴)، ۱۱۵-۱۴۲.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گروه مدیریت دولتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. رایانامه:

mrs1211@qiau.ac.ir

۲. گروه مدیریت دولتی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران. رایانامه:

frahnavard@imps.ac.ir

۳. گروه مدیریت دولتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. رایانامه: nhamidi@qiau.ac.ir

۴. گروه مدیریت دولتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. رایانامه: gmemar@gmail.com

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵

نویسنده مسئول مقاله: فرج‌اله رهنورد

DOI: 10.22034/qjimdo.2021.248135.1359

مقدمه

فعالیت‌های پیچیده دولت^۱ در قالب مفهوم حاکمیت تنظیم شده است. این مفهوم نشان می‌دهد که در جوامع مدرن، دولت در حال واگذاری مسئولیت‌های انحصاری خود به سایر سازمان‌های غیر دولتی است (کپینگ^۲، ۲۰۱۸: ۴). ساختار و محدوده وظایف دولت باید اصلاح شود و در عین حال، باید پیشرفتی در زمینه آزادی، حقوق شهروندان، قانونی بودن فعالیت‌ها و اعمال دموکراسی و همچنین بهبود مدیریت سازمان‌های دولتی ارائه دهنده خدمات و بهبود تدوین سیاست‌های عمومی صورت گیرد (کابریور^۳، ۲۰۰۵: ۷۸). به منظور اصطلاح ساختار و محدوده وظایف دولت باید نوآوری حاکمیتی مورد توجه قرار گیرد. این اصلاحات نوآور، شکل سنتی حاکمیت را به چالش کشیده و شکل جدیدی از حاکمیت را الزامی می‌داند که فراتر از دولت است. به عبارت دیگر، اجرای بهینه وظایف حاکمیت نیازمند نوعی نوآوری حاکمیتی است. نوآوری حاکمیتی به معنای شناسایی مسائل حاکمیت از طریق خلق ایده‌های نوآورانه بوده و شامل رویکردهای حاکمیت نوین مانند مشارکت دولت و سازمان‌های غیردولتی است. در جوامع امروزی که پیشرفت‌های وسیعی در فناوری‌ها صورت گرفته و فضای مجازی و فیزیکی کاملاً ادغام شده‌اند، اداره امور دولت با روش‌های سنتی امکان‌پذیر نیست و ارایه نوآوری در روش‌های حاکمیت می‌تواند وظایف دولت را بهینه نموده و زندگی مردم را غنی‌تر سازد. محور نوآوری حاکمیت بررسی قوانین و مقررات مبتنی بر قاعده است. این قوانین رفتارهای بخش‌های دولتی و غیر دولتی را تنظیم و به اصلاحات سیستم اداری کشور با توجه به مراحل تدوین، اجرا و نظارت خط‌مشی‌ها کمک می‌کند (یاناگاوا^۴، ۲۰۲۰: ۹). بنابراین، در جوامع امروزی، برقراری نوآوری حاکمیتی از اهمیت دوچندان برخوردار است.

به منظور تحقق نوآوری حاکمیتی باید مدیریت عمومی تحت عنوان «حاکمیت عمومی نوین»^۵ ایجاد شود (برتوت^۶ و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۱۲). حاکمیت عمومی نوین به حالت مدیریتی اشاره دارد که طی آن، دولت، بخش خصوصی و بخش سوم (شامل سازمان‌های مردم‌نهاد، نظامی و ...) از طریق مشاوره، مذاکره و سایر روش‌های دموکراتیک، امور عمومی

^۱ در این پژوهش دولت در مفهوم State و نه مفهوم Government آورده شده است.

2. Keping

3. Cabrero

4. Yanagawa

5. New Public Governance

6. Bertot

را اداره می‌نمایند (رانیا^۱ و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۴). به طور کلی، می‌توان نقش دولت در انجام وظایف حاکمیت را به سه دسته شامل قائل بودن نقش کم رنگ، نقش پررنگ و نقش متناسب برای دولت تقسیم نمود (زیانگ^۲، ۲۰۲۰: ۸). تعامل دولت با سایر بازیگران حاکمیت برای انجام وظایف می‌تواند نوعی حاکمیت را ایجاد کند که بهترین شکل از اجرای وظایف را به نمایش بگذارد (بویلاکوآ^۳ و همکاران، ۲۰۲۰: ۳).

وظیفه سیاسی دولت، پیگیری منافع ملی در داخل و خارج از کشور است که نقش مهمی در توسعه کشور دارد. در کنار سیاست، ساختارهای دفاعی-امنیتی نیز از وظایف مهم و تأثیرگذار دولت‌ها به شمار می‌روند (علیدوستی شهرکی و رحمتی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۰۶). با توجه به اینکه سازمان‌های دفاعی و نظامی، وظیفه حفظ امنیت کشور را برعهده دارند و به دلیل سر و کار داشتن با اقشار مختلف جامعه و انجام وظایف در شرایط پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی (کاظمی راد و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۹)، وظیفه دفاعی از جمله حساس‌ترین وظایف دولت محسوب می‌شود. انجام بهینه این وظایف کلیدی نیازمند تعامل دولت با سایر بازیگران حاکمیتی است. دولت‌ها باید تا جایی در انجام وظایف مذکور مداخله نمایند که اجرای کارآمد و بهینه این وظایف با مشکل روبرو نشود و برای انجام امور از سایر بازیگران حاکمیتی نیز به‌طور مناسب بهره‌مند شود (بالتازار^۴، ۲۰۱۵: ۱۴۶۹).

در سال‌های اخیر با مطرح شدن الگوهای نوین حاکمیتی، در زمینه نقش بخش‌های دولتی، جامعه مدنی و نظامی در خصوص انجام وظایف حاکمیت اختلاف نظر وجود دارد (ونتریس^۵ و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۸۸). به عبارت دیگر، میزان مشارکت بازیگران حاکمیتی در انجام وظایف دولت و نوع حاکمیت متناسب با آن از مهمترین مسائلی است که به جهت اجرای هر چه بهتر وظایف مطرح شده است. بسیاری از نظریه‌پردازان مدیریت در خصوص میزان دخالت دولت در امور هم نظر نبوده‌اند و در مجریان خطمشی نیز این اختلاف‌ها دیده می‌شود و هر یک از آنها میزانی از این اثرگذاری و سطح حاکمیت را در جهت داشتن بهترین سطح عملیاتی اجرا مد نظر قرار می‌دهند (کیائو^۶ و همکاران، ۲۰۱۹: ۳۱۸). روندهای آینده مدیریت دولتی اهمیت حکمرانی را برجسته نموده و نقش‌های متفاوتی را برای سایر نقش‌آفرینان حاکمیتی همچون بخش خصوصی، جامعه مدنی و بخش عمومی به رسمیت

1. Runya
2. Xiang
3. Bevilacqua
4. Baltazar
5. Ventriss
6. Qiao

می‌شناسد. با توجه به این که مردم تلاش می‌کنند تا بهترین خدمات را جستجو و دریافت نمایند و این امکان برای آنان فراهم است تا بتوانند هر یک از ارائه‌دهندگان خدمات را شناسایی و انتخاب کنند و از آنجایی که افزایش اندازه دولت‌ها هزینه‌های بیشتری را به مردم تحمیل می‌کند و گاه دولت‌ها را در ارائه خدمات با مشکل مواجه می‌سازد، تمایل به انجام وظایف دولت، توسط سایر بازیگران و نقش‌آفرینان حاکمیتی هم در میان دولت و هم در میان مردم و دیگر بازیگران اجرای خطمشی وجود دارد و میزان این مداخلات و حد و مرز آنها و نوع و کیفیت و کمیت خدمات در هر یک از حالت‌ها متفاوت بوده و اختلاف نظر در این زمینه همیشه وجود داشته است (بریسون و جورج^۱، ۲۰۲۰: ۲۸). البته، رابطه بین سطح واگذاری و مشارکت‌ها و میزان حاکمیت دولتی خود مقوله‌ای است که در ادبیات نظری کمتر به آن پرداخته شده است.

با توجه به نقش مهم وظایف سیاسی-دفاعی در توسعه و پیشرفت کشور در پژوهش‌های قبلی به طور مشخص به موضوع وظایف کلان سیاسی-دفاعی دولت و چگونگی بهینه‌سازی این وظیفه کلیدی و حساس پرداخته نشده است و بنابراین نوعی خلا پژوهشی در این زمینه مشاهده می‌شود. در این پژوهش نوآوری حاکمیتی به توجه خاص به بخش نظامی و متمایز ساختن تفویض وظایف بر اساس سطوح کنش حاکمیتی (فرد، سازمان و سیستم) اشاره دارد. بر اساس موارد مذکور، هدف این پژوهش ارایه مدل نوآوری حاکمیتی در انجام وظایف کلان دفاعی-سیاسی دولت است و با در نظر گرفتن نوآوری حاکمیتی، تدابیر جدیدی را که به مشارکت سایر بازیگران حاکمیتی در انجام وظایف کلان دفاعی-سیاسی کمک می‌کند، شناسایی نموده است. بر این اساس، در پژوهش حاضر ضمن طرح وظایف کلان دفاعی-سیاسی دولت، سطح و نوع مداخله هر یک از بازیگران حاکمیت در انجام بهینه وظایف مذکور را مشخص نموده و به این سوال پاسخ می‌دهد که انتظار انجام بهینه وظایف کلان دفاعی-سیاسی در هر یک از سطوح کنش حاکمیتی را می‌توان از کدام یک از این بازیگران حاکمیت داشت؟.

پیشینه پژوهش

نوآوری حاکمیت

نوآوری حاکمیتی به رویکردهای حاکمیت نوین مانند مشارکت دولت، بخش خصوصی و

جامعه مدنی گفته می‌شود (برتوت^۱ و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۱۲). شکل‌های نوآور حاکمیت، سازمان‌های خصوصی و مردمی و سایر نهادها را به مشارکت در امور حاکمیت تشویق می‌نماید و گونه‌ای از حاکمیت نوین را ارایه می‌دهند (سوئینگداو^۲، ۲۰۰۵: ۱۹۹۳). ماهیت حاکمیت نوین با امکانات اقتصادی و مالی مدرن دولت، ویژگی‌های کیفی هماهنگی منابع، تعامل بین بخشی برنامه‌ریزی مؤثر و جدید، تامین تکنولوژی‌های اطلاعاتی برای انواع سازمان‌ها، رفتار سازمانی و سطوح شایستگی حاکمان و مدیران تعریف می‌شود (پاتاپاس^۳ و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۷). مفهوم حاکمیت نوین برای توصیف ماهیت کثرت دولت معاصر به نمایش گذاشته شده است، جایی که چندین بازیگر مختلف در ارائه خدمات عمومی و سیستم سیاست‌گذاری نقش دارند (آزبورن^۴، ۲۰۰۶: ۳۷۷). دوگی^۵ معتقد است دولتمردان وظیفه اداره کردن، سازماندهی و مدیریت خدمات عمومی را دارند. این وظایف محدوده قدرت و اختیار دولتمردان را مشخص می‌سازد. وی تاکید دارد که دولت‌ها قادر نخواهند بود که به بقای خویش ادامه دهند مگر اینکه خدماتی را ارائه نمایند که مردم و شهروندان حق برخورداری از آن خدمات را داشته باشند. بر اساس نظر وی، مفهوم حاکمیت نوین در حقیقت همان انجام وظایف توسط دولت و ارائه خدمات به مردم و شهروندان است (بروجردی، ۱۳۹۸: ۱۳۰).

وظایف دولت؛ دولت به عنوان مکانیسم‌های نهادی تعریف شده است که اجازه می‌دهد تصمیمات عمومی تحت شرایط حاکمیت قانون، اتخاذ و اجرا شوند و عملکرد دموکراتیک حفظ گردد (کمان و ولدندورپ^۶، ۲۰۰۹: ۲). بر اساس تعریف وبر، دولت نوعی نهاد سیاسی است که انحصار استفاده مشروع قدرت در چارچوب قلمروی معین را بر عهده دارد (گل‌محمدی، ۱۳۹۵: ۶۰). دولت بودگی^۷، اصطلاحی است که به ظرفیت دولت برای انجام وظایف اساسی اشاره دارد. مطابق مدل دولت بودگی، وظایف اساسی دولت‌ها به شرح زیر قابل طبقه‌بندی است: (۱) امور اجتماعی؛ (۲) امور اقتصادی؛ (۳) امور سیاسی؛ و (۴) امور سیاسی و نظامی (ایلین^۸ و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۲). وظایف اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران به طور خاص در اصل سوم قانون اساسی و نیز سایر اصول مرتبط تعیین و تعریف گردیده است. همچنین، قوانین موضوعه به طور مستقیم یا ضمنی، به وظایف اساسی دولت از جمله امور

1. Bertot

2. Swyngedouw

3. Patapas

4. Osborne

5. Dugi

6. Keman & Woldendorp

7. Stateness

8. Ilyin

اقتصادی در مورد معدن و صنایع معدنی، کشاورزی، گردشگری و حمل و نقل؛ امور اجتماعی در زمینه آب و محیط زیست؛ توسعه آمادگی دفاعی و امنیتی؛ وظایف مدیریتی، وظایف خاص؛ وظایف عام و ... اشاره داشته‌اند (رهنورد و رهنورد، ۱۳۹۳: ۲۵). علاوه بر قوانین مذکور، قوانین بودجه سالانه نیز وظایف دولت را در قالب امور پنج‌گانه به شرح زیر مشخص نموده‌اند: (۱) امور عمومی؛ (۲) امور دفاعی و امنیتی؛ (۳) امور اجتماعی و فرهنگی؛ (۴) امور اقتصادی؛ و (۵) امور متفرقه. بر اساس قانون مدیریت خدمات کشوری، دستگاه‌های اجرایی موظف هستند تا به تحقق سه دسته از وظایف (شامل امور اجتماعی، فرهنگی و خدمات؛ امور زیربنایی؛ و امور اقتصادی) بپردازند.

وظایف دفاعی-سیاسی؛ دولت یک جامعه سیاسی، مسئول حفظ امنیت آن جامعه از تجاوز خارجی است. دولت، نیروهای مسلح را پرورش و آموزش می‌دهد و در صورت لزوم از آنها برای محافظت از قلمرو حاکمیت و مردم آن، از حمله و تهاجم قدرت‌های خارجی استفاده می‌کند. دفاع نظامی یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین وظایف دولت است. همچنین، دولت علاوه بر وظیفه دفاع نظامی و فیزیکی، وظیفه دفاع سایبری از اطلاعات سازمان‌ها و افراد داخل کشور را بر عهده دارد. دولت برای افزایش توان دفاع سایبری به همکاری بخش خصوصی نیز نیازمند است (کلاوس^۱ و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۱). مسائل امنیتی کشورها علاوه بر شرایط بین‌المللی به دیدگاه نخبگان آن کشور به تهدیدات خارجی باز می‌گردد. گسترش قاچاق مواد مخدر و تروریسم از جمله تهدیداتی است که ضرورت توجه به امور سیاسی، دفاعی و امنیتی را ضروری می‌سازد (ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). در فصل هفتم از برنامه پنجم توسعه، به امور دفاعی، امنیتی و سیاسی اشاره شده است. در این فصل در زمینه امور دفاعی تاکید می‌شود که وزارت دفاع به منظور ارتقای توانمندی دفاعی و دفاع از حاکمیت، موظف به ارتقای کمی و کیفی سامانه پدافند هوایی کشور، استقرار موثرتر در حوزه‌های آبی کشور، بهره‌گیری بیش از فرصت خدمت وظیفه عمومی و... است. در زمینه امور سیاسی و امنیتی نیز در این فصل تاکید می‌شود در راستای تامین امنیت پایدار مناطق مرزی، وزارت کشور موظف است با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت دادگستری، وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی و سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذیربط طرح جامع امنیت پایدار مناطق مرزی را به تصویب شورای عالی امنیت ملی برساند.

بازیگران (نقش آفرینان) حاکمیتی؛ بازیگران گوناگون در حاکمیت نقش آفرینی

می‌کنند از جمله دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی که همه آنها نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های کشور دارند (پاول-وستل^۱، ۲۰۱۹: ۱۰). در این پژوهش، خبرگان با توجه به ماهیت و موضوع تحقیق، سه بخش شامل دولت، بخش نظامی و جامعه مدنی را به عنوان نقش‌آفرینان حاکمیتی معرفی نمودند. جامعه مدنی عبارت است از گروه‌های رسمی و غیررسمی از شهروندان که به طور جمعی در یک جامعه عمومی برای بیان منافع، احساسات و ایده‌های خود، تبادل اطلاعات، دستیابی به اهداف متقابل، ایجاد خواسته‌ها از دولت و پاسخگویی مسئولان دولتی عمل می‌کنند (آکرمی و تریکی^۲، ۲۰۱۷: ۸۰). جامعه مدنی از طریق بسیج عمومی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، ارتباط متقابل جامعه و سیاست را تسهیل می‌کند. بازیگران جامعه مدنی، انجمن‌های حرفه‌ای سازمان‌های مردم‌نهاد، نهادهای دانشگاهی، رسانه‌های جمعی، گروه‌های مذهبی و سازمان‌های مدنی است (قاضی طباطبایی و همکاران^۳، ۱۳۹۱: ۴۸). دولت گروهی از نهادها هستند که علاوه بر مسئولیت‌های سیاسی و حکمرانی، خدمات عمومی را برای مصرف متقابل تأمین می‌کنند و درآمد و ثروت را توزیع می‌کنند. دولت^۳ یک سازمان سیاسی با یک حکومت متمرکز است که انحصار استفاده مشروع از قدرت در یک قلمرو خاص را بر عهده دارد (کادورس، ۲۰۰۷: ۳۷)^۴. حفظ امنیت جامعه و پاسداری از قلمرو حاکمیت و مردم آن و نیز محافظت از اطلاعات افراد و سازمان‌های کشور از حمله و تهاجم قدرت‌های خارجی در حوزه امور سیاسی-دفاعی قرار دارد (کلاوس^۵ و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۱). بخش نظامی عبارت است از نیروهایی که وظیفه سازماندهی نیروهای مسلح کشور برای توانمندسازی آنها در مسیر رسیدن به پدافند ملی را عهده‌دار است. نیروهای مسلح به ستاد فرماندهی کل قوا، ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی و وزارت دفاع و سازمان‌های وابسته اطلاق می‌شود (نظرپور، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

سطوح کنش حاکمیتی؛ سطوح تحلیل به درک این فرایند کمک می‌کند که چگونه یک نیرو در قدرت سیاسی بر روی نیروی دیگری تأثیر می‌گذارد (ناو^۶، ۲۰۱۲: ۲۶). هیل و هیوپ معتقد هستند هنگامی که عوامل و متغیرهای حاکمیت در سیستم اداری-سیاسی قرار می‌گیرند، هر یک از آنها می‌توانند در سه سطح اصلی طبقه‌بندی شوند. این سه سطح عبارتند

1. Pahl-Wostl
 2. Akermi & Triki
 3 State
 4. Cudworth
 5. Claus
 6. Nau

از: ۱. سطح ارتباطات کلان میان جامعه و حکومت (عوامل محیطی کلان، شاید تا حدودی مشخصه‌های خطامشی و تدوین خطامشی)؛ ۲. سطح ارتباطات رسمی (ارتباطات عمودی و ارتباطات افقی درون سازمانی)؛ و ۳. سطح عملیاتی (ارتباطات میان افراد) (هیل و هیوپ، ۱۳۹۵: ۲۰۹). در این پژوهش با استناد به مدل هیل و هوپ، سطوح سه‌گانه کنش حاکمیتی برای تصمیم‌گیری به شرح زیر قابل تبیین است: ۱- سطح سیستم: این سطح همان سطح کلان است. در این سطح، سیستم بر اساس رفتار دولت ایجاد می‌شود و بر روابط بین سازمان‌ها در جامعه تاکید می‌شود (مکسهنانی^۱، ۲۰۱۷: ۳۲۳)؛ ۲- سطح سازمان: به سطح داخلی نیز معروف است، علل پدیده‌ها را در درون سازمان‌ها معین می‌کند. در این سطح، استراتژی‌های متنوع سازمانی با یکدیگر مقایسه می‌شوند و چگونگی بهبود و اصلاح فرایندها و رویه‌های سازمانی جهت ارایه راهکارهای مناسب اصلاحی مورد بررسی قرار می‌گیرند (ناو، ۲۰۱۲: ۲۶)؛ ۳- سطح فردی: سطح فردی، سطح خرد و عملیاتی است و به مطالعه ملت یک کشور می‌پردازد. در سطح تحلیل فردی، پژوهشگران به مطالعه رفتار و عملکرد اشخاص و تصمیم‌گیران می‌پردازند. در این سطح بررسی می‌شود که بازیگران اصلی چه کسانی هستند و چگونه در تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌نمایند و چگونه فعالیت می‌کنند (تامکی^۲، ۲۰۱۵: ۸۹).

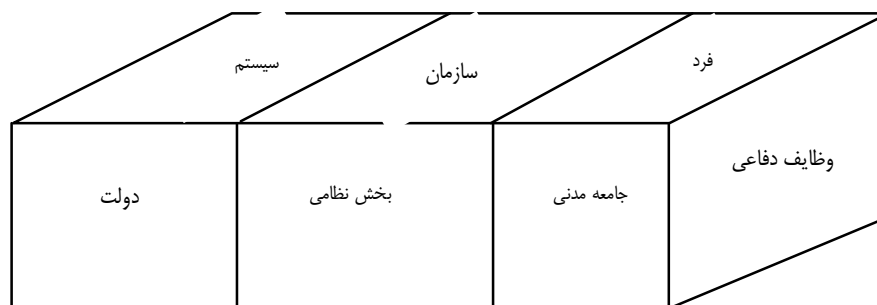
پیشینه تجربی و چارچوب نظری پژوهش

رهنورد (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «الگوی مدیریت دولتی برای تحقق حاکمیت تراز چشم‌انداز ۱۴۰۴» دریافت که انجام امور انتفاعی و غیر انتفاعی به ترتیب در تبیین وظایف دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی، نقش نهادهای سه‌گانه حاکمیت در اجرای ویژگی‌های حاکمیت متناظر با چشم‌انداز ۱۴۰۴، متفاوت و منحصر به فرد است. عقبائی جزئی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی نتیجه گرفتند که به کارگیری ظرفیت‌های حکمرانی در سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی به شرح زیر است: بخش دولتی نسبت به دو بخش دیگر در شرایط نسبتاً مطلوبی قرار داشته و بخش دولتی ۴۲/۸ درصد، بخش تعاونی ۳۱/۴ درصد و بخش خصوصی ۳۵/۶ درصد بر اجرای اثربخش سیاست‌های کلی این اصل تاثیر دارند. امام جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) دریافتند که مشارکت بین بخش‌های دولتی و خصوصی و جامعه مدنی و همچنین استقرار شاخص‌های الگوی حاکمیتی خوب و هم‌افزایی و شراکت بین بازیگران اصلی توسعه یعنی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی باعث سازماندهی

1. Mexhuani
2. Tamaki

جامعه و دولت کارآمد خواهد شد.

وظایف کلان دفاعی-سیاسی از جمله وظایف مهم و کلیدی حاکمیت محسوب می شود که باید اجرای آن در سطوح مختلف کنش حاکمیتی به بازیگران مناسب واگذار شود. قانون مدیریت خدمات کشوری و اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بازیگران حاکمیتی را شامل بخش دولتی، خصوصی و تعاونی می داند. چارچوب حاکمیت چندگانه هیل و هیوپ (۱۳۹۵)، نیز نقش آفرینان اجرای خطمشی را در سه بخش عمومی، خصوصی و تعاونی ها طبقه بندی نمود. رهنورد (۱۳۹۰)، نهادهای سه گانه حاکمیت را شامل دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی معرفی می کند. الوانی (۱۳۸۸)، بازیگران حاکمیت را شامل دولت، بخش خصوصی، یا تشکل های غیردولتی، گروه های ذینفوذ، سازمان های نظامی، مذهبی، رسانه ها شناسایی نمود. فاری^۱ (۲۰۱۵) و تالر^۲ (۲۰۱۹)، به بخش های دولتی و تعاونی به عنوان نقش آفرینان حاکمیتی اشاره نمودند. همچنین، مطالعه رفتار دولت ها و تفویض وظایف به نقش آفرینان عرصه حاکمیت در سطوح کنش حاکمیت یکسان نخواهد بود. هیل و هوپ مدل سه گانه حاکمیتی را در سطح سازنده یا طراحی نهادی، سطح هدایتی و سطح عملیاتی معرفی نمودند و چارچوب حاکمیت چندگانه هیل و هوپ نیز در حاکمیت عملیاتی در سه سطح فرد، سازمان و سیستم و با حد و مرز ارتباط مدیریتی، برخوردها و همین طور مسیرهای مدیریتی مطرح شده است (هیل و هوپ، ۲۰۱۴: ۲۶)^۳. در این تحقیق بر اساس نظر خبرگان و پیشینه پژوهش، بازیگران حاکمیتی شامل دولت، جامعه مدنی و بخش نظامی در نظر گرفته شد. در مدل پژوهش، حد بهینه انجام وظایف کلان دفاعی-سیاسی دولت توسط بازیگران حاکمیتی (دولت، بخش نظامی و جامعه مدنی) در سطوح سه گانه کنش (فرد، سازمان و سیستم) بررسی می شود. مدل مفهومی پژوهش در شکل (۱) ارایه شده است.



شکل (۱). مدل مفهومی تحقیق

۱ . Fourie

۲ . Thaler

۳ . Hill and Hupe

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، به لحاظ هدف از نوع توسعه‌ای و از نظر راهبرد نوعی پژوهش آمیخته است. در بخش کیفی، جامعه آماری تحقیق شامل خبرگان دانشگاهی و سازمانی در زمینه مدیریت دولتی است که از نظر آنها برای شناسایی نقش بازیگران حاکمیتی در انجام وظایف کلان دفاعی-سیاسی دولت بهره گرفته شد. برای این منظور، چهار نفر خبره دانشگاهی و چهار نفر خبره سازمانی انتخاب شده‌اند. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از طریق مطالعه ادبیات تحقیق و پیشینه پژوهش گردآوری گردید. همچنین، امور اصلی و فرعی و وظایف عمومی و فرعی حاکمیتی از سند برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشوری و استانی استخراج شد. سپس، از طریق تشکیل گروه کانونی و مصاحبه کیفی با خبرگان، نقش بازیگران حاکمیتی شامل دولت، جامعه مدنی و نیروهای نظامی برای انجام وظایف دفاعی-سیاسی در سطوح سه گانه کنش حاکمیتی (فرد، سازمان و سیستم) تعیین شد. گروه کانونی روشی برای گردآوری داده‌های کیفی است که در آن افراد در یک بحث گروهی غیر رسمی پیرامون موضوعات خاص وارد می‌شوند. در این پژوهش، به منظور شناسایی نقش بازیگران حاکمیتی در انجام وظایف فرعی حاکمیت از روش گروه کانونی پیش‌مقدماتی استفاده شد. اعتبار پژوهش کیفی بر اساس روش‌هایی همچون قابلیت انتقال، اعتبارپذیری، قابلیت اطمینان و تاییدپذیری مورد بررسی قرار گرفت. در بخش کمی پژوهش، جامعه آماری شامل مدیران، معاونین و کارکنان سازمان‌های دولتی، نظامی و مردم نهاد بود. در این پژوهش با توجه به عدم دسترسی به اطلاعات کامل در زمینه همه اعضای جامعه آماری، حجم نمونه با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه از جامعه نامحدود مشخص شده است. بنابراین تعداد حجم نمونه ۲۸۴ نفر محاسبه شد. نمونه‌گیری با روش در دسترس انجام شد.

$$n = \frac{(1/96)^2 \times (0/43)^2}{(0/05)^2} = 284$$

در این بخش، به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز، از روش میدانی و پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده گردید. پرسشنامه پژوهش به طور جداگانه برای هر یک از سطوح فرد، سازمان و سیستم تدوین گردید که هر یک از آنها مشتمل بر ۱۶ سوال بوده و سوالات پرسشنامه به وسیله طیف فاصله‌ای در بازه ۱ (بسیار کم) تا ۱۰ (بسیار زیاد) سنجیده شده است. روایی پرسشنامه کمی با روش‌های روایی صوری و روایی محتوایی بررسی و تأیید گردید. برای بررسی روایی صوری، از نظرات اساتید محترم راهنما و مشاور و سایر خبرگان و افراد مطلع درباره اینکه آیا سنجه‌ها از نظر ظاهری توانایی اندازه‌گیری مفاهیم و سازه‌های پژوهش را دارند، استفاده شد. روایی محتوا به صورت کیفی و کمی مورد سنجش قرار گرفت.

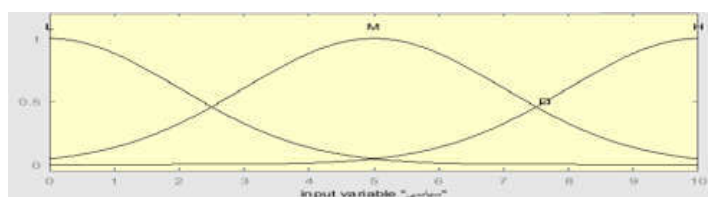
برای سنجش روایی محتوای کیفی پرسشنامه، از متخصصین و خبرگان درباره اینکه آیا سنجه‌ها معرف همه ویژگی‌هایی است که پژوهشگر قصد اندازه‌گیری آنها را دارد و می‌تواند محتوای کامل مفاهیم را شامل شود، نظرسنجی شد و روایی محتوای کیفی پرسشنامه توسط خبرگان مورد تایید قرار گرفت. روایی محتوای کمی پرسشنامه نیز از طریق محاسبه ضریب نسبت روایی محتوا^۱ بررسی شد. در این زمینه، پرسشنامه در اختیار ۳۰ نفر از متخصصان و خبرگان قرار گرفت و از ایشان درخواست شد که نظر خود را درباره میزان تناسب هر یک از گویه‌ها با مولفه‌ها و متغیرها بیان نمایند. نتایج این روش در بخش یافته‌ها بیان می‌شود. پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ ارزیابی شد و با توجه به اینکه مقدار آلفا برای کل پرسشنامه برابر ۰/۸۹ است، می‌توان پایایی پرسشنامه را تایید نمود. برای ساخت مدل کمی از سیستم استنتاج فازی سلسله‌مراتبی با نرم‌افزار متلب استفاده شد. مدل استنتاج فازی سلسله‌مراتبی پژوهش از سه مرحله تشکیل شده است. در مرحله اول، شاخص‌های اولیه مدل (نقش بازیگران حاکمیتی) به عنوان متغیر ورودی در نظر گرفته شد و متغیر خروجی در این مرحله، یک شاخص ثانویه شامل امور فرعی (شامل روابط سیاسی و امور امنیتی) است. در مرحله دوم، شاخص‌های ثانویه به عنوان متغیر ورودی وارد سیستم استنتاج فازی شده و خروجی آن، امور دفاعی-سیاسی است. در مرحله سوم نیز امور دفاعی-سیاسی در سطوح فرد، سازمان و سیستم به عنوان متغیرهای ورودی در نظر گرفته شد و متغیر خروجی آن حد بهینه وظایف دفاعی-سیاسی دولت است. پیش از شروع استنتاج فازی، مقادیر ورودی‌های اولیه بر اساس پرسشنامه پیمایشی از طریق تحلیل توصیفی داده‌ها بر اساس شاخص میانگین در بازه ۱ تا ۱۰ برآورد گردید. در این پژوهش سیستم استنتاج فازی از بخش‌های زیر تشکیل شده است:

- فازی‌سازی متغیرها: فازی‌سازی متغیرهای ورودی از طریق تعیین توابع عضویت گاوسی و فازی‌سازی متغیر خروجی از طریق تعریف توابع عضویت مثلثی، در بازه ۱ تا ۱۰ انجام شد که در جدول‌های (۱) و (۲) و شکل‌های (۲) و (۳) ارایه گردید.

جدول ۱. افزایش‌بندی متغیرهای ورودی

متغیرهای کلامی	عدد فازی
کم (L)	(۲، ۰)
متوسط (M)	(۲، ۵)
زیاد (H)	(۲، ۱۰)

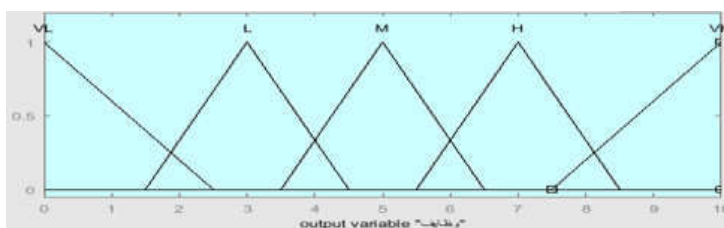
^۱ . Content Validity Ratio (CVR)



شکل ۲. نمای تابع عضویت گاوسی

جدول ۲. افزایش متغیر خروجی

متغیرهای کلامی	عدد فازی
بسیار کم (VL)	(۰، ۰، ۲/۵)
کم (L)	(۱/۵، ۳، ۴/۵)
متوسط (M)	(۳/۵، ۵، ۶/۵)
زیاد (H)	(۵/۵، ۷، ۸/۵)
بسیار زیاد (VH)	(۷/۵، ۱۰، ۱۰)



شکل ۳. نمای تابع عضویت مثلثی

- تدوین قوانین فازی: در این پژوهش از دانش خبره برای تدوین قوانین فازی استفاده شد. قوانین مورد استفاده در مرحله آخر سیستم فازی، در جدول (۳) ارائه گردید.

جدول ۳. قوانین فازی

شماره قانون	اگر (IF)			آنگاه (THEN)
	امور دفاعی-سیاسی در سطح فرد	امور دفاعی-سیاسی در سطح سازمان	امور دفاعی-سیاسی در سطح سیستم	وظایف کلان دفاعی-سیاسی
۱	زیاد	زیاد	زیاد	بسیار زیاد
۲	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط
۳	کم	کم	کم	بسیار کم
۴	زیاد	زیاد	متوسط	زیاد
۵	زیاد	متوسط	زیاد	زیاد
۶	متوسط	زیاد	زیاد	بسیار زیاد
۷	زیاد	زیاد	کم	زیاد
۸	زیاد	کم	زیاد	زیاد
۹	کم	زیاد	زیاد	زیاد
۱۰	زیاد	متوسط	کم	متوسط
۱۱	زیاد	کم	متوسط	متوسط
۱۲	زیاد	کم	کم	کم

۱۳	زیاد	متوسط	متوسط	متوسط
۱۴	متوسط	کم	زیاد	متوسط
۱۵	متوسط	زیاد	کم	متوسط
۱۶	متوسط	متوسط	زیاد	متوسط
۱۷	متوسط	متوسط	کم	کم
۱۸	متوسط	زیاد	متوسط	زیاد
۱۹	متوسط	کم	متوسط	متوسط
۲۰	متوسط	کم	کم	کم
۲۱	کم	زیاد	متوسط	زیاد
۲۲	کم	متوسط	زیاد	متوسط
۲۳	کم	کم	زیاد	کم
۲۴	کم	کم	متوسط	کم
۲۵	کم	زیاد	کم	کم
۲۶	کم	متوسط	کم	کم
۲۷	کم	متوسط	متوسط	متوسط

- موتور استنتاج فازی: موتور استنتاج با روش ممدانی ایجاد شد. با توجه به این که تعداد مقدم‌ها بیشتر از یک بود، از عملگر مینیم استفاده شد تا عددی ایجاد شود که نشانگر حاصل مقدم‌های هر قانون است. برای اعمال روش استلزام که میزان صحت قوانین را معین می‌کند، از روش مینیم استفاده شد. برای تجمیع خروجی‌ها که مجموع خروجی‌های قوانین فازی به صورت یک مجموعه فازی واحد ترکیب می‌شود از روش ماکسیم استفاده شد.

- فازی‌زدایی: از روش مرکز ثقل برای فازی‌زدایی متغیر خروجی بهره گرفته شد.

- اعتبار سنجی مدل تحقیق: از روش اعتبارسنجی مدل مفهومی و اعتبارسنجی داده‌ها استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

مشخصات جمعیت‌شناختی اعضای گروه کانونی در تحقیق کیفی و نیز نمونه آماری در تحقیق کمی بر حسب تعداد آنها در جدول (۴) ارایه گردید.

جدول ۴. مشخصات جمعیت‌شناختی اعضای نمونه آماری

بازه سنی			تحصیلات			سمت سازمانی			جنسیت		نوع تحقیق
بیشتر از ۴۰	۳۰ تا ۴۰	۲۰ تا ۳۰	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	هیات علمی	کارشناس	مدیر/ معاون	م	ز	ویژگی جمعیتی
۶	۲	-	-	۱	۷	۴	-	۴	۲	۶	تحقیق کیفی
۱۷۰	۹۶	۱۸	۱۱۲	۱۱۱	۶۱	-	۱۹۴	۹۰	۸۳	۲۰۱	تحقیق کمی

در این پژوهش، با توجه به تعداد ۳۰ نفره خبرگان، گویه‌هایی که مقدار ضریب

نسبت روایی محتوا برای آنها ۰/۳۳ و بیشتر باشد، قابل قبول هستند. بنابراین، با توجه به جدول (۵) از آنجایی که در این پژوهش مقدار برای همه گویه‌ها، بیشتر از ۰/۳۳ است، می‌توان گفت که این گویه‌ها از روایی لازم برخوردار می‌باشند.

جدول ۵. مقادیر CVR برای گویه‌های پرسشنامه

امور اصلی	وظایف فرعی (وظایف فرعی)	تعداد گزینه ضروری	ضریب نسبت روایی محتوا	نتیجه
مورد بررسی و تدوین	طراحی و اجرای اقدامات دیپلماتیک جهت مبارزه با استکبار و حمایت از مستضعفین	۲۴	۰/۶	تأیید
	ایجاد شرایط سیاسی لازم برای تقویت پیوند با کشورهای هدف و همسایگان	۲۶	۰/۷۳	تأیید
	حمایت همه جانبه از حقوق ایرانیان خارج از کشور و جلب مشارکت آنها در توسعه و پیشرفت کشور	۲۴	۰/۶	تأیید
	تدوین اصول و قواعد حاکم بر روابط سیاسی میان احزاب و نیروهای اجتماعی در داخل یک کشور	۳۰	۱	تأیید
	تعیین روش حکومت و کاربرد قدرت و امکاناتی که در اختیارات دولت و نهادهای سیاسی قرار دارد	۲۹	۰/۹۳	تأیید
	تدوین خط مشی‌ها در عرصه داخلی کشور	۲۵	۰/۶۶	تأیید
	توسعه و افزایش توان تولیدی تجهیزات و تسلیحات دفاع	۲۷	۰/۸	تأیید
	طراحی و تولید اقلام موردنیاز تقابل باگروه‌های مسلح تروریست	۲۷	۰/۸	تأیید
	توسعه و بازسازی صنایع هوایی دفاعی	۲۹	۰/۹۳	تأیید
	تعمیق ارزش‌های انقلاب اسلامی و توسعه فرهنگ بسیجی	۲۹	۰/۹۳	تأیید
	طرح جامع دربرگیرنده توسعه قدرت نرم دفاعی و سایبری	۲۶	۰/۷۳	تأیید
	ایجاد سامانه پدافند سایبری	۲۷	۰/۸	تأیید
	افزایش آموزش سایبری به مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرائی	۳۰	۱	تأیید
	ارتقای کیفیت مراکز آموزشی نیروهای مسلح برای تربیت نیروهای کارآمد	۲۸	۰/۸۶	تأیید
	تخصیص بودجه سنواتی، کمک هزینه مسکن نیروهای مسلح	۲۹	۰/۹۳	تأیید
تجهیز و تقویت نیروهای مسلح	۲۶	۰/۷۳	تأیید	

وظایف دفاعی-سیاسی دولت بر اساس طبقه‌بندی وظایف در کتابچه سازمان برنامه و بودجه کل کشور به وظایف فرعی، وظایف عمومی، امور فرعی و امور اصلی تقسیم شد. سپس وظایف مذکور در گروه کانونی مطرح گردید تا نقش بازیگران حاکمیتی شناسایی شود. نتایج پاسخ‌های نهایی خبرگان درباره نقش بازیگران حاکمیتی اصلی (شامل دولت، جامعه مدنی و بخش نظامی) در زمینه انجام وظایف دفاعی-سیاسی برای سطح سیستم در جدول

(۶)، برای سطح سازمان در جدول (۷) و برای سطح فرد در جدول (۸) ارایه گردید. با توجه به اینکه اجزای گوناگون هر وظیفه فرعی ممکن است توسط نقش آفرینان مختلف انجام شود، در این پژوهش از اصطلاح نقش آفرینان حاکمیتی اصلی که به معنای متولی اصلی هر یک از وظایف فرعی است، استفاده شد.

جدول ۶. پاسخ‌های نهایی خبرگان در گروه کانونی برای سطح سیستمی

امور اصلی	امور فرعی	وظایف عمومی	وظایف فرعی (وظایف عملیاتی)	نقش آفرینان حاکمیتی اصلی	
امور دفاعی - سیاسی	روابط سیاسی	روابط خارجی	طراحی و اجرای اقدامات دیپلماتیک جهت مبارزه با استکبار و حمایت از مستضعفین	دولت	
			ایجاد شرایط سیاسی لازم برای تقویت پیوند باکشورهای هدف و همسایگان	جامعه مدنی	
			حمایت همه جانبه از حقوق ایرانیان خارج از کشور و جلب مشارکت آنها در توسعه و پیشرفت کشور	دولت	
		سیاست داخلی	تدوین اصول و قواعد حاکم بر روابط سیاسی میان احزاب و نیروهای اجتماعی در داخل یک کشور	دولت	
			تعیین روش حکومت و کاربرد قدرت و امکاناتی که در اختیارات دولت و نهادهای سیاسی قرار دارد	دولت	
			تدوین خط مشی‌ها در عرصه داخلی کشور	دولت	
	افزایش توان دفاعی کشور	افزایش توان دفاعی کشور	افزایش توان دفاعی کشور	توسعه و افزایش توان تولیدی تجهیزات و تسلیحات دفاع	بخش نظامی
				طراحی و تولید اقلام مورد نیاز تقابل باگروه‌های مسلح تروریست	بخش نظامی
				توسعه و بازسازی صنایع هوایی دفاعی	بخش نظامی
				تعمیق ارزش‌های انقلاب اسلامی و توسعه فرهنگ بسیجی	جامعه مدنی
	افزایش توان دفاعی سایبری	افزایش توان دفاعی سایبری	افزایش توان دفاعی سایبری	طرح جامع دربرگیرنده توسعه قدرت نرم دفاعی و سایبری	بخش نظامی
				ایجاد سامانه پدافند سایبری	بخش نظامی
افزایش آموزش سایبری به مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرائی				بخش نظامی	
توسعه نیروهای مسلح	توسعه نیروهای مسلح	توسعه نیروهای مسلح	ارتقای کیفیت مراکز آموزشی نیروهای مسلح برای تربیت نیروهای کارآمد	بخش نظامی	
			تخصیص بودجه سنواتی، کمک هزینه مسکن نیروهای مسلح	بخش نظامی	
			تجهیز و تقویت نیروهای مسلح	بخش نظامی	

جدول ۷. پاسخ‌های نهایی خبرگان در گروه کانونی برای سطح سازمانی

امور اصلی	امور فرعی	وظایف عمومی	وظایف فرعی (وظایف عملیاتی)	نقش آفرینان حاکمیتی اصلی
امور دفاعی - سیاسی	روابط سیاسی	روابط خارجی	طراحی و اجرای اقدامات دیپلماتیک جهت مبارزه با استکبار و حمایت از مستضعفین	جامعه مدنی
			ایجاد شرایط سیاسی لازم برای تقویت پیوند با کشورهای هدف و همسایگان	دولت
			حمایت همه جانبه از حقوق ایرانیان خارج از کشور و جلب مشارکت آنها در توسعه و پیشرفت کشور	جامعه مدنی
	سیاست داخلی	سیاست داخلی	تدوین اصول و قواعد حاکم بر روابط سیاسی میان احزاب و نیروهای اجتماعی در داخل یک کشور	جامعه مدنی
			تعیین روش حکومت و کاربرد قدرت و امکاناتی که در اختیارات دولت و نهادهای سیاسی قرار دارد	جامعه مدنی
			تدوین خط مشی‌ها در عرصه داخلی کشور	دولت
افزایش توان دفاعی کشور	افزایش توان دفاعی کشور	افزایش توان دفاعی کشور	توسعه و افزایش توان تولیدی تجهیزات و تسلیحات دفاع	بخش نظامی
			طراحی و تولید اقلام مورد نیاز تقابل با گروه‌های مسلح تروریست	بخش نظامی
			توسعه و بازسازی صنایع هوایی دفاعی	بخش نظامی
			تعمیق ارزش‌های انقلاب اسلامی و توسعه فرهنگ بسیجی	جامعه مدنی
افزایش توان دفاعی سایبری	افزایش توان دفاعی سایبری	افزایش توان دفاعی سایبری	طرح جامع دربرگیرنده توسعه قدرت نرم دفاعی و سایبری	بخش نظامی
			ایجاد سامانه پدافند سایبری	بخش نظامی
			افزایش آموزش سایبری به مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرائی	بخش نظامی
توسعه نیروهای مسلح	توسعه نیروهای مسلح	توسعه نیروهای مسلح	ارتقای کیفیت مراکز آموزشی نیروهای مسلح برای تربیت نیروهای کارآمد	بخش نظامی
			تخصیص بودجه سنواتی، کمک هزینه مسکن نیروهای مسلح	بخش نظامی
			تجهیز و تقویت نیروهای مسلح	بخش نظامی

جدول ۸. پاسخ‌های نهایی خبرگان در گروه کانونی برای سطح فردی

امور اصلی	امور فرعی	وظایف عمومی	وظایف فرعی (وظایف عملیاتی)	نقش آفرینان حاکمیتی اصلی
امور دفاعی - سیاسی	روابط سیاسی	روابط خارجی	طراحی و اجرای اقدامات دیپلماتیک جهت مبارزه با استکبار و حمایت از مستضعفین	جامعه مدنی
			ایجا شرایط سیاسی لازم برای تقویت پیوند باکشورهای هدف و همسایگان	دولت
			حمایت همه جانبه از حقوق ایرانیان خارج از کشور و جلب مشارکت آنها در توسعه و پیشرفت کشور	جامعه مدنی
		سیاست داخلی	تدوین اصول و قواعد حاکم بر روابط سیاسی میان احزاب و نیروهای اجتماعی در داخل یک کشور	جامعه مدنی
			تعیین روش حکومت و کاربرد قدرت و امکاناتی که در اختیارات دولت و نهادهای سیاسی قرار دارد	جامعه مدنی
			تدوین خط مشی‌ها در عرصه داخلی کشور	دولت
	امنیتی	افزایش توان دفاعی کشور	افزایش توسعه و افزایش توان تولیدی تجهیزات و تسلیحات دفاع	بخش نظامی
			طراحی و تولید اقلام مورد نیاز تقابل باگروه‌های مسلح تروریست	بخش نظامی
			توسعه و بازسازی صنایع هوایی دفاعی	بخش نظامی
		افزایش توان دفاع سایبری	تعمیق ارزش‌های انقلاب اسلامی و توسعه فرهنگ بسیجی	جامعه مدنی
طرح جامع دربرگیرنده توسعه قدرت نرم دفاعی و سایبری			بخش نظامی	
ایجاد سامانه پدافند سایبری			بخش نظامی	
توسعه نیروهای مسلح		افزایش آموزش سایبری به مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرائی	بخش نظامی	
		ارتقای کیفیت مراکز آموزشی نیروهای مسلح برای تربیت نیروهای کارآمد	بخش نظامی	
		تخصیص بودجه سنواتی، کمک هزینه مسکن نیروهای مسلح	بخش نظامی	
		تجهیز و تقویت نیروهای مسلح	بخش نظامی	

پس از انجام تحقیق کیفی و تعیین نقش بازیگران حاکمیت در انجام وظایف کلان دفاعی-سیاسی توسط گروه کانونی، مدل کمی تحقیق با بهره‌گیری از سیستم استنتاج فازی سلسله‌مراتبی طراحی گردید. در این پژوهش، مدل استنتاج فازی سلسله‌مراتبی از سه مرحله تشکیل شد. به این صورت که در مرحله اول، نقش بازیگران حاکمیتی (دولت، جامعه مدنی و بخش نظامی) به عنوان متغیر ورودی در سیستم در نظر گرفته شد و مورد استنتاج قرار گرفت. متغیر خروجی در این مرحله، شامل امور فرعی همچون روابط سیاسی و امور امنیتی است. در مرحله دوم، امور فرعی به عنوان متغیرهای ورودی مورد استنتاج قرار گرفت و متغیرهای خروجی این مرحله، شامل سطح بهینه امور دفاعی-سیاسی است مرحله اول و دوم

برای سه سطح کنش حاکمیتی شامل سطح فردی، سازمانی و سیستمی اجرا شده است. در مرحله سوم، ورودی‌های سیستم فازی شامل امور دفاعی-سیاسی در سطوح سه‌گانه کنش است و خروجی سیستم نیز حد بهینه وظایف کلان دفاعی-سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران است.

سیستم استنتاج فازی در سطح فرد: با توجه به جدول (۹)، از آنجایی که امتیاز حاصله برای نقش جامعه مدنی ۵/۸ و برای دولت ۵ است، امتیاز قطعی برای روابط سیاسی ۵/۲۶ است. بنابراین هر دو عامل در ارتقای روابط سیاسی در سطح فرد نقش داشتند و خبرگان نقشی را برای نظامیان در امور روابط سیاسی قائل نشده‌اند. نتایج حاصل از تحلیل سه بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که در وضعیت بهینه، جامعه مدنی در مقایسه با دولت، نقش محوری دارد.

جدول ۹. سطح بهینه امور روابط سیاسی

روابط سیاسی	دولت	جامعه مدنی
۵/۲۶	۵	۵/۸

با توجه به جدول (۱۰)، از آنجایی که امتیاز حاصله برای نقش جامعه مدنی ۵ و برای بخش نظامی ۶/۵ است، امتیاز قطعی برای امور امنیتی ۵/۸۵ است. بنابراین هر دو عامل در ارتقای امور امنیتی در سطح فرد نقش داشتند و خبرگان نقشی را برای دولت در امور امنیتی قائل نشده‌اند. نتایج حاصل از تحلیل سه بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که در وضعیت بهینه، بخش نظامی در مقایسه با جامعه مدنی، نقش محوری داشته است.

جدول ۱۰. سطح بهینه امور امنیتی

امور امنیتی	بخش نظامی	جامعه مدنی
۵/۸۵	۶/۵	۵

با توجه به جدول (۱۱)، از آنجایی که امتیاز به دست آمده برای روابط سیاسی ۵/۲۶ و امور امنیتی ۵/۸۵ است، امتیاز قطعی برای امور دفاعی-سیاسی ۵/۱۸ است. بنابراین هر دوی این عوامل در ارتقای امور دفاعی-سیاسی در سطح فرد نقش داشتند. نتایج حاصل از تحلیل سه بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که روابط سیاسی و امور امنیتی به طور یکسان در ارتقای امور دفاعی-سیاسی تاثیر دارند.

جدول ۱۱. سطح بهینه امور دفاعی-سیاسی در سطح فرد

روابط سیاسی	امور امنیتی	امور دفاعی-سیاسی
۵/۲۶	۵/۸۵	۵/۱۸

سیستم استنتاج فازی در سطح سازمان: با توجه به جدول (۱۲)، از آنجایی که امتیاز حاصله برای نقش جامعه مدنی ۶/۴ و برای دولت ۵/۵ است، امتیاز قطعی برای امور روابط

سیاسی ۵/۸۸ می‌باشد. بنابراین هر دو عامل در ارتقای امور روابط سیاسی در سطح سازمان نقش داشتند. در سطح سازمان، خبرگان نقشی را برای نظامیان در امور روابط سیاسی قائل نشده‌اند. نتایج حاصل از تحلیل سه بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که در وضعیت بهینه، جامعه مدنی در مقایسه با دولت، نقش محوری دارد.

جدول ۱۲. سطح بهینه امور روابط سیاسی

روابط سیاسی	دولت	جامعه مدنی
۵/۸۸	۵/۵	۶/۴

با توجه به جدول (۱۲)، از آنجایی که امتیاز حاصله برای نقش جامعه مدنی ۷ و برای بخش نظامی ۸/۳۴ است، امتیاز قطعی برای امور امنیتی ۷/۹ است. بنابراین هر دو عامل در ارتقای امور امنیتی در سطح سازمان نقش داشتند. در سطح سازمان، خبرگان نقشی را برای دولت در امور امنیتی قائل نشده‌اند. نتایج حاصل از تحلیل سه بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که در وضعیت بهینه، باید بخش نظامی در مقایسه با جامعه مدنی، نقش محوری داشته باشد.

جدول ۱۳. سطح بهینه امور امنیتی

امور امنیتی	بخش نظامی	جامعه مدنی
۷/۹	۸/۳۴	۷

با توجه به جدول (۱۴)، از آنجایی که امتیاز به دست آمده برای روابط سیاسی ۵/۸۸ و امور امنیتی ۷/۹ است، امتیاز قطعی برای امور دفاعی-سیاسی ۷/۱۱ است. بنابراین هر دوی این عوامل در ارتقای امور دفاعی-سیاسی در سطح سازمان نقش داشته‌اند. نتایج حاصل از تحلیل سه بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که امور امنیتی بیشتر از روابط سیاسی در ارتقای امور دفاعی-سیاسی تاثیر دارد.

جدول ۱۴. سطح بهینه امور دفاعی-سیاسی در سطح سازمان

روابط سیاسی	امور امنیتی	امور دفاعی-سیاسی
۵/۸۸	۷/۹	۷/۱۱

سیستم استنتاج فازی در سطح سیستم: با توجه به جدول (۱۵)، از آنجایی که امتیاز حاصله برای نقش جامعه مدنی ۶/۴ و برای دولت ۷ است، امتیاز قطعی برای امور روابط سیاسی ۷/۰۱ است. بنابراین هر دو عامل در ارتقای امور روابط سیاسی در سطح سیستم نقش داشتند. در این سطح، خبرگان نقشی را برای نظامیان در امور روابط سیاسی قائل نشده‌اند. نتایج حاصل از تحلیل سه بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که در وضعیت بهینه باید دولت در مقایسه با جامعه مدنی، نقش محوری داشته باشد.

جدول ۱۵. سطح بهینه امور روابط سیاسی

روابط سیاسی	دولت	جامعه مدنی
۷/۰۱	۷	۶/۴

با توجه به جدول (۱۶)، از آنجایی که امتیاز حاصله برای نقش جامعه مدنی ۵/۵ و برای بخش نظامی ۷/۱۱ است، امتیاز قطعی برای امور امنیتی ۶/۶ است. بنابراین هر دو عامل در ارتقای امور امنیتی در سطح سیستم نقش داشتند. خبرگان نقشی را برای دولت در امور نظام امنیتی در نظر نگرفته‌اند. نتایج حاصل از تحلیل سه بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که در وضعیت بهینه باید بخش نظامی در مقایسه با جامعه مدنی، نقش محوری داشته باشد.

جدول ۱۶. سطح بهینه امور امنیتی

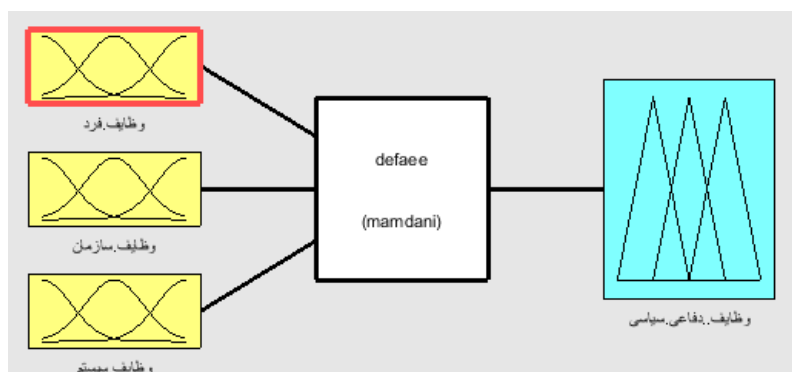
امور امنیتی	بخش نظامی	جامعه مدنی
۶/۶	۷/۱۱	۵/۵

با توجه به جدول (۱۷)، از آنجایی که امتیاز به دست آمده برای روابط سیاسی ۷ و امور امنیتی ۶/۶ است، امتیاز قطعی برای امور دفاعی-سیاسی ۶/۸۴ است. بنابراین این عوامل در ارتقای امور دفاعی-سیاسی در سطح سیستم نقش داشته‌اند. نتایج حاصل از تحلیل سه بعدی رفتار متغیر خروجی نشان می‌دهد که روابط سیاسی بیشتر از امور امنیتی در ارتقای امور دفاعی-سیاسی تاثیر دارد.

جدول ۱۷. سطح بهینه امور دفاعی-سیاسی در سطح سیستم

روابط سیاسی	امور امنیتی	امور دفاعی-سیاسی
۷	۶/۶	۶/۸۴

استنتاج فازی برای وظایف کلان دفاعی-سیاسی: در مرحله سوم، مدل نهایی که نشان‌دهنده حد بهینه وظایف دفاعی-سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران است، ارائه شد. این مدل که از تجمیع امور دفاعی-سیاسی در سطوح سه‌گانه کنش حاکمیتی ایجاد شده، از نوع چند ورودی و یک خروجی است که در آن، امور دفاعی-سیاسی در سطح فرد، سازمان و سیستم به عنوان متغیرهای ورودی و وظایف کلان دفاعی-سیاسی حاکمیت به عنوان متغیر خروجی در نظر گرفته شده است. در این مرحله، استنتاج فازی به وسیله ۲۷ قانون فازی و با روش ممدانی انجام شد. نمای کلی این مدل در نرم افزار متلب در شکل (۴) ارائه گردید.



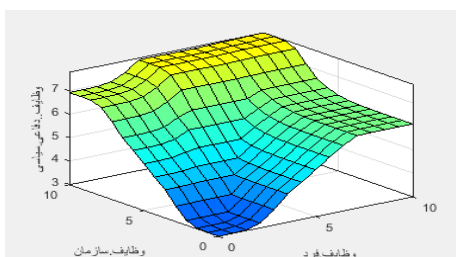
شکل ۴. نمای کلی استنتاج فازی برای وظایف دفاعی-سیاسی دولت

با توجه به جدول (۱۸)، از آنجایی که امتیاز به دست آمده برای امور دفاعی-سیاسی در سطح فرد $۵/۱۸$ ، در سطح سازمان $۷/۱۱$ و در سطح سیستم $۶/۸۴$ است، امتیاز قطعی برای وظایف دفاعی-سیاسی دولت برابر $۷/۰۳$ است. بنابراین می‌توان گفت که هر سه عامل مذکور در ارتقای وظایف دفاعی-سیاسی دولت نقش موثری دارند.

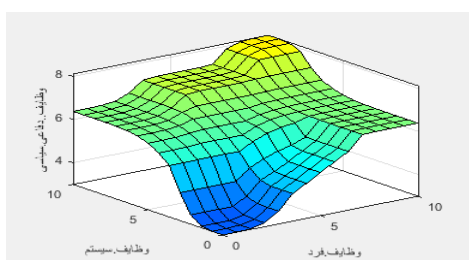
جدول ۱۸. سطح بهینه وظایف دفاعی-سیاسی دولت

امور دفاعی-سیاسی در سطح فرد	امور دفاعی-سیاسی در سطح سازمان	امور دفاعی-سیاسی در سطح سیستم	وظایف کلان دفاعی-سیاسی
۵/۱۸	۷/۱۱	۶/۸۴	۷/۰۳

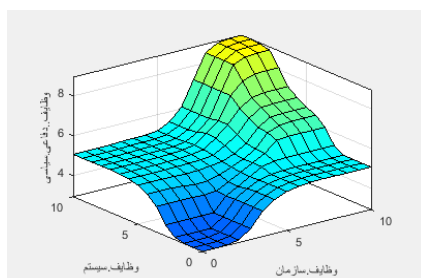
بر اساس شکل‌های ۵ تا ۷ می‌توان گفت که ارتقای امور دفاعی-سیاسی در سطوح فرد، سازمان و سیستم به بهینه شدن وظایف کلان دفاعی-سیاسی منجر می‌شود. امور دفاعی-سیاسی در سطح سازمان بیشتر از دو سطح دیگر بر انجام بهینه وظایف دفاعی-سیاسی دولت اثرگذار است و امور دفاعی-سیاسی در سطح سیستم و فرد به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند.



شکل ۵. رفتار وظایف کلان دفاعی-سیاسی دولت (سطح فرد-سازمان)



شکل ۶. رفتار وظایف کلان دفاعی-سیاسی دولت (سطح فرد-سیستم)



شکل ۷. رفتار وظایف کلان دفاعی-سیاسی دولت (سطح سازمان-سیستم)

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر بر اساس تحلیل داده‌های حاصل از خبرگان گروه کانونی و یک نمونه آماری شامل مدیران، معاونین و کارکنان سازمان‌های دولتی، نظامی و مردم نهاد تدوین شده است. برای انجام پژوهش، ابتدا با مطالعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ساختارهای بالادستی از جمله سازمان برنامه و بودجه ایران، ابعاد گوناگون وظایف کلان دولت جمهوری اسلامی ایران شامل وظایف فرعی (وظایف عملیاتی)، وظایف عمومی، امور فرعی و امور اصلی شناسایی گردید. سپس از طریق تشکیل گروه کانونی، نقش هر یک از بازیگران حاکمیتی (دولت، جامعه مدنی و بخش نظامی) در زمینه انجام وظایف فرعی (عملیاتی) حاکمیت برای سطوح کنش سه گانه حاکمیتی مشخص گردید.

امور دفاعی-سیاسی دولت با امور فرعی شامل روابط سیاسی (روابط خارجی، سیاست داخلی)، امور امنیتی (افزایش توان دفاعی کشور، افزایش توان دفاع سایبری، توسعه نیروهای مسلح) معرفی شده است. نتایج حاصل از طراحی مدل کمی پژوهش نشان می‌دهد که در سطوح سه گانه کنش، هر سه بازیگر حاکمیتی شامل دولت، بخش نظامی و جامعه مدنی برای انجام امور نقش‌آفرینی می‌کنند و با یکدیگر تعامل داشتند. اما در سطح فرد و در شرایط بهینه، برای امور امنیتی بخش نظامی نقش محوری دارد و برای امور سیاسی، جامعه مدنی نقش محوری را ایفا می‌کند. در این سطح، امور سیاسی و امنیتی هر دو به طور یکسان در انجام امور دفاعی-سیاسی اثرگذار هستند. در سطح سازمان و در شرایط بهینه، برای امور امنیتی، بخش نظامی نقش محوری دارد و برای امور سیاسی، جامعه مدنی نقش محوری را ایفا می‌کند. در این سطح، امور امنیتی بیشتر از روابط سیاسی در ارتقای امور دفاعی-سیاسی تاثیر دارد. در سطح سیستم و در وضعیت بهینه، برای امور امنیتی، بخش نظامی نقش محوری دارد و برای امور سیاسی، دولت نقش محوری دارد. در این سطح، روابط سیاسی بیشتر از امور امنیتی در ارتقای امور دفاعی-سیاسی موثر است. آنچه از نتایج این پژوهش می‌توان دریافت آن است که در سطوح سه گانه کنش، حفظ امنیت جامعه و تمامیت ارضی کشور بر عهده بخش نظامی بوده و تنها نقش‌آفرینی که در امور امنیتی کشور نقش محوری

دارد، بخش نظامی و زیرمجموعه‌ها و واحدهای وابسته به آن هستند. با توجه به امتیازات حاصله و رفتار متغیر خروجی می‌توان نتیجه گرفت که به طور کلی در سطح فرد، هر سه بازیگر حاکمیتی شامل دولت، جامعه مدنی، و بخش نظامی در انجام وظایف دفاعی-سیاسی نقش‌آفرین هستند. اما به طور کلی در وضعیت بهینه، نقش جامعه مدنی مهمتر از نقش سایر نقش‌آفرینان است. با توجه به اینکه در سطح فرد، انجام امور مذکور نیازمند بیشترین سطح تماس با جامعه بوده و افراد در آن، نقش محوری دارند و نیز فرهنگ‌سازی و استفاده از حداکثر توان عمومی پایه و اساس انجام این وظایف است، واگذاری چنین وظایفی به جامعه مدنی می‌تواند اثربخش‌تر و کارآمد باشد. همچنین، به دلیل اینکه سطح فرد، سطح اجرا است و از ویژگی‌های عملیاتی برخوردار بوده و نیز خط اول آن، همه افراد جامعه هستند، جامعه مدنی به عنوان نقش‌آفرین محوری و اصلی در این سطح مطرح است. در سطح سازمان بر اساس رفتار متغیر خروجی می‌توان نتیجه گرفت که با وجود اینکه بازیگران حاکمیتی همچون دولت، جامعه مدنی، و بخش نظامی در انجام وظایف دفاعی-سیاسی نقش‌آفرین هستند. اما در وضعیت بهینه، نقش بخش نظامی مهمتر و پررنگ‌تر از نقش سایر بازیگران است. در این سطح از آنجایی که هدف اصلی، ایجاد سازکارهای لازم برای اجرای خط‌مشی‌های حاکمیت است، شایسته است که انجام امور به بخش نظامی واگذار شود زیرا این بخش سرعت عمل بیشتر و بهره‌وری بالاتری در زمینه ایجاد ساز و کارهای لازم برای اجرای خط‌مشی‌ها در سطح سازمان دارد و همچنین، شرایط نظارت بر نحوه اجرای امور مورد نظر برای دولت فراهم می‌گردد. همچنین، در سطح سیستم در وضعیت بهینه، دولت در مقایسه با سایر بازیگران نقش محوری دارد و می‌توان گفت نقش دولت در انجام بهینه وظایف کلان دفاعی-سیاسی موثرتر است. با توجه به اینکه سطح سیستم، سطح تدوین خط‌مشی‌ها است، باید تدوین خط‌مشی‌های کلان توسط دولت تدوین شود تا دولت در قبال خط‌مشی‌های کلان پاسخگو باشد و بر اجرای وظایف حاکمیت نظارت نماید. نتایج پژوهش از نظر تعامل میان نقش‌آفرینان حاکمیتی و مشارکت آنها در اجرای بهینه و کارآمد وظایف کلان دولت با نتایج بسیاری از پژوهش‌ها از جمله پژوهش‌های صورت گرفته توسط رهنورد (۱۳۹۰)، مک لاگلین^۱ (۲۰۱۱)، لوئیس^۲ (۱۹۹۹)، آرمسترانگ^۳ و همکاران (۲۰۰۵) و کلارک^۴ (۱۹۹۵) سازگاری دارد. اما بر خلاف نتایج حاصل از پژوهش

1. Mcloughlin

2. Lewis

3. Armstrong

4. Clark

لویی‌س (۱۹۹۹) که بر اهمیت نقش دولت نسبت به نقش سایر بازیگران تاکید دارد، نتایج این پژوهش نشان‌دهنده اولویت نقش جامعه مدنی است. در زمینه نتایج توسعه‌ای پژوهش می‌توان به مشارکت بازیگران حاکمیتی در انجام وظایف کلان در سطوح کنش حاکمیتی و نیز استفاده از بخش نظامی در انجام وظایف کلان دفاعی-سیاسی اشاره نمود.

در سطح کنش حاکمیتی سیستمی، نظر به اینکه نقش غالب برای دولت در حوزه تدوین خط‌مشی‌ها است در سطح اجرای وظایف کلان دفاعی و سیاسی بهتر است نقش آفرین اصلی دولت باشد. به منظور تدوین خط‌مشی‌های مناسب، دولت باید از طریق گفتگو و مذاکره با سایر سطوح و سازمان‌ها و با نگاه به سطح اجرا، خط‌مشی‌های مناسب را تدوین نماید تا قابلیت اجرای اثربخش‌تری داشته باشد. اما در سطح وظایف فرعی با عنایت به تعریف عملیاتی فوق‌بهتر است وظایف طراحی و اجرای اقدامات دیپلماتیک جهت مبارزه با استکبار و حمایت از مستضعفین، حمایت همه‌جانبه از حقوق ایرانیان خارج از کشور و جلب مشارکت آنها در توسعه و پیشرفت کشور، تدوین اصول و قواعد حاکم بر روابط سیاسی میان احزاب و نیروهای اجتماعی در داخل یک کشور، تعیین روش حکومت و کاربرد قدرت و امکاناتی که در اختیارات دولت و نهادهای سیاسی قرار دارد، تدوین خط‌مشی‌ها در عرصه داخلی کشور به دولت سپرده شده تا بتواند با امکانات و دسترسی‌هایی که به منابع داخلی و خارجی دارد آنها را به بهترین شکل ممکن اجرا نماید و سایر وظایف عملیاتی موجود در این سطح کنش حاکمیتی بهتر است با مشارکت بخش‌های نظامی و جامعه مدنی انجام شود که نقش بخش نظامی هم نسبت به جامعه مدنی پررنگ‌تر خواهد بود (به ویژه در حوزه امور امنیتی).

در سطح کنش حاکمیتی سازمانی، نظر به اینکه نقش غالب برای بخش نظامی در حوزه ایجاد سازوکارهای امور امنیتی به عنوان یک بازیگر انحصاری می‌باشد. در سطح اجرای وظایف کلان دفاعی و سیاسی بهتر است نقش آفرین اصلی بخش نظامی باشد. واگذاری موفقیت‌آمیز سازوکارهای عملیاتی به بخش نظامی نیازمند توانمندسازی مدیریت و نیروها، مشارکت‌پذیری و همچنین مشارکت لازم از جانب دولت می‌باشد. در سطح سازمان ایجاد سازوکارهای لازم برای اجرا از اهمیت بالایی برخوردار است و بخش نظامی به دلیل حضور منابع انسانی و مالی پایدارتر و همین‌طور قوانین دست و پاگیر کمتر می‌تواند نسبت به سطوح دیگر به صورت اثر بخش‌تری عمل نمایند و در سطح وظایف فرعی نظر به تعریف عملیاتی فوق‌بهتر است وظایف توسعه و افزایش توان تولیدی تجهیزات و تسلیحات دفاعی، طراحی و تولید اقلام مورد نیاز تقابل با گروه‌های مسلح تروریست، توسعه و بازسازی صنایع هوایی دفاعی، طرح جامع دربرگیرنده توسعه قدرت نرم دفاعی و سایبری، ایجاد سامانه پدافند

سایبری، افزایش آموزش سایبری به مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرائی، ارتقای کیفیت مراکز آموزشی نیروهای مسلح برای تربیت نیروهای کارآمد، تخصیص بودجه سنواتی، کمک هزینه مسکن نیروهای مسلح و تجهیز و تقویت نیروهای مسلح به بخش نظامی سپرده شود. در سطح کنش حاکمیتی فردی، نظر به اینکه نقش غالب برای جامعه مدنی به عنوان مجری خط‌مشی‌های تدوینی توسط دولت و دستور‌گذاری، فرهنگ‌سازی و انجام امور است بهتر است وظایف کلان دفاعی و سیاسی به جامعه مدنی سپرده شود. به منظور انجام هر چه بهتر و اثربخش وظایف توسط جامعه مدنی در سطح فرد نیاز است که سازمان‌های مردم‌نهاد از طریق آموزش و فرهنگ‌سازی و توانمندسازی تقویت شوند. سطح کنش فردی بیشترین تماس را با بدنه مردم داشته و به نحوی پائین‌ترین سطح اجرا است و هم می‌تواند نقطه آغاز فرآیند خط‌مشی‌گذاری به لحاظ شکل‌گیری و معرفی مسائل و مشکلات عمومی باشد و هم می‌تواند نقطه پایان در اجرای خط‌مشی‌های تدوینی باشد و بدین جهت از اهمیت بالایی برخوردار است. و در حوزه اجرای این وظایف به ویژه در سطح فرعی بهتر است با عنایت به تعریف عملیاتی فوق برخی از این وظایف به مردم واگذار شود زیرا نیاز به سازوکارهای فرهنگی و اجتماعی و عمومی دارند که بهتر است وظایف فرعی طراحی و اجرای اقدامات دیپلماتیک جهت مبارزه با استکبار و حمایت از مستضعفین، حمایت همه‌جانبه از حقوق ایرانیان خارج از کشور و جلب مشارکت آنها در توسعه و پیشرفت کشور، تدوین اصول و قواعد حاکم بر روابط سیاسی میان احزاب و نیروهای اجتماعی در داخل یک کشور، تعیین روش حکومت و کاربرد قدرت و امکاناتی که در اختیارات دولت و نهادهای سیاسی قرار دارد و تعمیق ارزش‌های انقلاب اسلامی و توسعه فرهنگ بسیجی به این بخش واگذار شود که البته نقش بخش نظامی به عنوان بازیگر دوم به ویژه در امور امنیتی همچنان حایز اهمیت است.

در این پژوهش، سازمان‌های مورد مطالعه به صورت یکسان در نظر گرفته شده‌اند و تفاوت در ساختار، شرایط و فرهنگ سازمان‌ها مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین، داده‌های پژوهش با روش پیمایشی گردآوری شده که این موضوع ممکن است اعتبار نتایج را تحت تاثیر قرار دهد. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی، مدل تحقیق با در نظر گرفتن تفاوت‌های سازمانی (شامل فرهنگ سازمانی و سایر دسته‌بندی‌های سازمانی) مورد مطالعه قرار گیرند و به منظور افزایش اعتبار نتایج از روش‌های میدانی برای گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش بهره گرفته شود.

منابع

- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز. (۱۳۹۱). سیاست دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران. *سیاست دفاعی*، ۲۰ (۷۸)، ۱۰۵-۱۳۷.
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۸). حکمرانی خوب شبکه‌ای از کنشگران جامعه مدنی. *مدیریت توسعه و تحول*، ۱، ۵-۱.
- امام جمعه‌زاده، سیدجواد؛ شهرام‌نیا، امیرمسعود و صفریان گرمه‌خانی، روح‌الله. (۱۳۹۵). الگوی حکمرانی خوب؛ جامعه همکار و دولت کارآمد در مدیریت توسعه. *علوم سیاسی*، ۱۲ (۳۶)، ۷-۴۰.
- بروجردی، لیلی. (۱۳۹۸). مفهوم «نوبین حاکمیت» یا مفهوم «حاکمیت نوبین». *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۱۱ (۴)، ۱۳۹-۱۲۷.
- علیدوستی شهرکی، قاسم و رحمتی‌پور، لیلان. (۱۳۹۷). رابطه دیپلماسی دفاعی و سیاست خارجی (رهیافت نظری و سازوکار سیاست‌گذاری). *سیاست دفاعی*، ۲۶ (۱۰۲)، ۱۰۵-۱۳۸.
- قاضی طباطبایی، محمود؛ نصرتی، روح‌اله و کاظمی، علی. (۱۳۹۱). ارزیابی الگوی نظری حکمرانی خوب در تبیین وضعیت توسعه انسانی. *توسعه محلی*، ۴ (۱)، ۵۲-۳۹.
- رهنورد، فرج‌اله و رهنورد، رامین. (۱۳۹۳). *نظریه وزارت در اداره عمومی*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات؛ قزوین: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
- رهنورد، فرج‌اله. (۱۳۹۰). الگوی مدیریت دولتی برای تحقق حاکمیت تراز چشم‌انداز ۱۴۰۴. *چشم‌انداز مدیریت دولتی*، ۶، ۴۳-۵۸.
- عقبائی جزنی، محمد. (۱۳۹۰). *اجرای خط‌مشی عمومی با رویکرد حکمرانی*. چاپ اول، تهران: سخنوران.
- کاظمی راد، شیرین؛ عطایی، محمد؛ الوانی، سیدمهدی؛ معمارزاده طهران، غلامرضا و البرزی، محمود. (۱۳۹۸). *ارایه مدل پیش‌کنشی مدیران نیروی انتظامی بر اساس ویژگی‌های فردی آنها با استفاده از سیستم استنتاج فازی*. *مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی*، ۲ (۳)، ۸۷-۱۱۲.
- گل‌محمدی، احمد. (۱۳۹۴). مفهوم‌بندی وبری دولت. *دولت پژوهی*، ۱ (۱)، ۵۷-۸۰.
- نظرپور، مهدی. (۱۳۸۶). *جایگاه نیروهای مسلح در نظام جمهوری اسلامی*. حصون، ۱۱، ۱۶۲-۱۳۶.
- هیل، مایکل و هیوپ، پیتر. (۱۳۹۵). *اجرای خط‌مشی عمومی (حکمرانی در نظریه و عمل)*. جواد معدنی و نیما خدایی، چاپ اول، تهران: آذرین مهر.
- Akermi, P. and Triki, A. (2017). The Green Energy Transition and Civil Society in Tunisia: Actions, Motivations and Barriers. *Energy Procedia*, 136, 79-84.

- Armstrong, A.; Jia, X. and Totikidis, V. (2005) *Parallels in Private and Public Sector Governance*. in: govnet Annual Conference, Contemporary Issues in Governance, 28-30, Melbourne, Australia. (Unpublished).
- Bevilacqua, C.; Ou, Y.; Pizzimenti, P. and Minervino, G. (2020). New Public Institutional Forms and Social Innovation in Urban Governance: Insights from the “Mayor’s Office of New Urban Mechanics” (MONUM) in Boston. *Sustainability*, 12(23), 1-24.
- Baltazar, M.E. (2015). Creating Competitive Advantage by Institutionalizing Corporate Social Innovation. *J. Bus. Res.*, 68, 1468–1474.
- Bertot, J.C.; Estevez, E. and Janowski, T. (2016). Universal and Contextualized Public Services: Digital Public Service Innovation Framework. *Government Information Quarterly*, 33(2), 211-222.
- Bryson, J. and George, B. (2020). *Strategic Management in Public Administration*. In book: *The Oxford Encyclopedia of Public Administration*, USA, Publisher: Oxford University Press.
- Cabrero, E. (2005). Between Public Management and New Public Governance: The Case. *International Public Management Review*, 6(1), 99-76.
- Claus, B.; Gandhi, R.; Rawnsley, J. and Crowe, J. (2015). Using the Oldest Military Force for the Newest National Defense. *Journal of Strategic Security*, 8 (4), 1-22.
- Cudworth, Erika (2007). *The Modern State: Theories and Ideologies*. Edinburgh University Press.
- Clark, J. (1995). The State, Popular Participation, and the Voluntary Sector. *World Development*, 23 (4), 593-601.
- Fourie, D. (2015). Good governance in Public-Private Partnerships Approaches and applications. *African Journal of Public Affairs*, 8 (1), 106-118.
- Hill, M. and Hupe, P. (2014). *Implementing Public Policy: An Introduction to the Study of Operational Governance*. SAGE Publications Ltd; Third edition.
- Ilyin, M., Khavenson, T., Meleshkina, E., Stukal, D., and Zharikova, E. (2012). Factors of Post-Socialist Stateness. *Higher School of Economics. National Research University*, Working Paper, 3, 1-43.
- Keman, H. and Woldendorp, J. (2016). State Format, Shape of Government and Democratic Performance. *International Journal of Political Science & Diplomacy*, 2(108), 1-8.
- Keping, Y. (2018). Governance and Good Governance: A New Framework for Political Analysis. *Fudan J. Hum. Soc. Sci.* 11, 1–8.
- Lewis, J. (1999). Reviewing the Relationship between the Voluntary Sector and the State in Britain in the 1990s. *International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 10 (3), 255-270.
- Mcloughlin, C. (2011). Factors Affecting State-Non-Governmental Organisation Relations in Service Provision: Key themes from the literature. *Public Admin*, 31, 240-251.
- Mexhuani, B. (2017). The Foreign Affairs of a State is Based on Its Strength in the International System. *European Journal of Social Sciences*, 4(4), 322-325.
- Nau, H.R. (2012). *Perspectives on International Relations Power, Institutions, and Ideas*. 6rd Edition. George Washington University.

- Osborne, S. P. (2006). The new public governance?. *Public Management Review*, 8(3), 377–87.
- Patapas, A.; Raipa, A. and Smalskys, V. (2014). New Public Governance: The Tracks of Changes. *International Journal of Business and Social Research*, 4(5), 25-32.
- Pahl-Wostl, C. (2019). The role of governance modes and meta-governance in the transformation towards sustainable water governance. *Environmental Science and Policy*, 91, 6–16.
- Qiao, M.; Ding, S. and Liu, Y. (2019). Fiscal decentralization and government size: The role of democracy. *European Journal of Political Economy*, 59, 316-330.
- Runya, X.; Qigui, S. and We, S. (2015). The Third Wave of Public Administration: The New Public Governance. *Canadian Social Science*, 11 (7), 11-21.
- Swyngedouw, E. (2005). Governance Innovation and the Citizen: The Janus Face of Governance-beyond-the-State. *Urban Studies*, 42 (11), 1991-2006.
- Tamaki, T. (2015). *Levels of analysis of the international system*. IN: Kavalski, E. (ed.) *Encounters with World Affairs: An Introduction to International Relations*. Farnham: Ashgate, 85-106.
- Thaler, G.; Viana, C. and Toni, F. (2019). From frontier governance to governance frontier: The political geography of Brazil's Amazon transition. *World Development*, 114, 59–72.
- Ventriss, C.; Perry, J.L.; Nabatchi, T.; Milward, H.B. and Johnston, J.M. (2019). Democracy, Public Administration, and Public Values in an Era of Estrangement. *Perspectives on Public Management and Governance*, 2 (4), 275–282.
- Xiang, J. (2020). Market disputes and government intervention: an explanatory framework of risk transformation. *J. Chin. Sociol.*, 7(3), 1-24.
- Yanagawa, N. (2020). *Governance Innovation*. The University of Tokyo Graduate School of Economics. Digital Economy Division, Commerce and Information Policy Bureau.